

اندیشه سیاسی ماکیاولی

و مقایسه آن از منظر اندیشه و سیره سیاسی امام علی (ع)

فرید عباسی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

تهران، ۱۳۹۵

سرشناسه: عباسی، فرهاد

عنوان و نام پدیدآور: اندیشه سیاسی ماکیاولی و مقایسه آن از منظر اندیشه و سیره سیاسی امام علی(ع) / فرهاد عباسی

مشخصات نشر: تهران: مهرراوش، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص: ۱۴/۵*۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۱۱۹-۲۴-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۷] - ۱۵۱.

موضوع: ماکیاولی، نیکولو. ۱۴۶۹-۱۵۲۷ م.

موضوع: Machiavelli, Niccolo

موضوع: ماکیاولی، نیکولو. ۱۴۶۹-۱۵۲۷ م. -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی

موضوع: Machiavelli, Niccolo -- Political and social views

موضوع: ابن ابی‌نجب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -- ۴۰ ق. دیدگاه درباره سیاست و حکومت

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 Views on political and government

رده‌بندی کنگره: ۳۱۰/۲۱۰۰۰ م. ۱۴۱

رده‌بندی دیویی: ۳۱۰/۰۱۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۸۰۳۱



اندیشه سیاسی ماکیاولی

و مقایسه آن از منظر اندیشه و سیره سیاسی امام علی(ع)

فرهاد عباسی (عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)

ناشر: مهرراوش

چاپ و صحافی: نسیم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۱۱۹-۲۴-۲

تلفن تماس: ۰۹۱۱۳۵۳۱۸۰۷ - ۶۶۹۷۳۸۲۲

Email: Farhadabbasi785@yahoo.com

Mehrravash@yahoo.com

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتا
۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: زندگی و زمانی - سیاسی
۱۷	اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر ماکیاولی
۲۳	زندگی‌نامه ماکیاولی
۳۱	فصل دوم: آثار، جایگاه و روش ماکیاولی
۳۳	آثار مهم ماکیاولی
۳۴	۱- شهریار
۳۷	۲- گفتارها
۴۰	جایگاه ماکیاولی در سیر تطور اندیشه سیاسی
۴۴	روش‌شناسی ماکیاولی
۴۷	فصل سوم: بررسی اندیشه‌های سیاسی ماکیاولی
۴۹	۱- انسان از دیدگاه ماکیاولی
۵۵	۲- اخلاق از نگاه ماکیاولی
۶۷	۳- دین از نگاه ماکیاولی
۷۶	۴- سیاست از نظر ماکیاولی

۵- حکومت از منظر ماکیاوولی ۸۹

فصل چهارم: مقایسه‌ی اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع) و ماکیاوولی ۹۵

۱- پیوند اخلاق با سیاست در مقابل جدایی اخلاق از سیاست ۹۷

۲- دین بالاترین هدف است در مقابل نگاهی ابزاری به دین ۱۰۵

۳- نفی خشونت و خونریزی در مقابل استفاده از خشونت و زور ۱۰۹

۴- پایبندی به عهد و پیمان در مقابل پیمان‌شکنی ۱۱۶

۵- صداقت و پرهیز از کذب در مقابل تظاهر و تمسک به دروغ‌گویی ۱۳۰

۶- سیاست رای اصلاح جامعه و احیای حق در مقابل حفظ قدرت و ۱۳۴

نتیجه‌گیری ۱۴۱

منابع و مأخذ ۱۴۷

پیش‌گفتار

وقتی نام نیکرو ماکیاوولی در تاریخ اندیشه سیاسی شنیده می‌شود واکنش‌ها، مختلفی را مشاهده می‌کنیم. عده‌ای شدیداً با او مخالف هستند و حملات زیادی را به اندیشه او وارد می‌کنند. عده دیگری نیز هستند که شاید در برابر مخالفت کنند و حرف‌هایش را رد کنند، اما در عمل به شکلی ابتدائی گونه‌اش او پیروی می‌کنند. گروهی دیگر شیفته اندیشه او هستند و خود را مرید مکتب ماکیاوولی می‌خوانند و گروهی دیگر این متفکر بزرگ را در خارج چوب مسائل علمی و اندیشه‌ای، در شرایط محیطی خود ارزیابی می‌کنند. در هر صورت از هر زاویه‌ای که به ماکیاوولی نگاه کنیم او بنیان‌گذار اندیشه سیاسی در دوران جدید بوده و تفکرات او تأثیرات زیادی در تاریخ اندیشه سیاسی گذاشته است.

ماکیاوولی خود را از پیش‌داوری‌های اخلاقی قیصر رسطایی درباره رفتار سیاسی رها کرد و با جسارتی یگانه به واقعیات رفتار و زندگی سیاسی نگریست و آنچه را برای نگاهداشت قدرت لازم است با چشم باز دید و بدون ترس و ریاکاری بازگفته است. اندیشمندان عصر جدید، ماکیاوولی را نخستین کاوشگر ماهیت قدرت و پیشرو اندیشه علمی در این زمینه می‌شناسند. او به جای نگریستن بر صحنه سیاست، به کاوش در اعماق آن پرداخت و پرده از نهان‌کاری سیاسی کنار زد.

این کتاب از یک مقدمه و در چهار فصل تهیه شده است. فصل اول به اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر ماکیاوولی و سپس به زندگی‌نامه وی

پرداخته است. در فصل دوم نیز آثار و نوشته‌های مهم ماکیاوولی از جمله شهریار و گفتارها ذکر گردیده است و در ادامه روش‌شناسی و جایگاه ماکیاوولی در سیر تطور اندیشه سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته است. در فصل سوم از این کتاب اندیشه‌های سیاسی ماکیاوولی را می‌خوانید که مطالعه‌ی آن بر اساس معانی انسان، اخلاق، دین، سیاست و حکومت از نظر ماکیاوولی بررسی شده است. فصل چهارم به مقایسه‌ی اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) و ماکیاوولی در باب اخلاق و سیاست اختصاص یافته و در این فصل با اشاره به اندیشه‌های ماکیاوولی و ارزیابی آن‌ها با اندیشه‌های ائمه‌مؤمنان(ع) سعی کرده‌ایم مقایسه و تفاوت این دو دیدگاه و تعالی اندیشه سیاسی و اخلاقی حضرت علی(ع) را روشن کنیم. و سرانجام در ادامه توجه به مباحث مطرح شده یک نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

مقدمه

اندیشه سیاسی و نیکولو ماکیاوولی شروع شد. ماکیاوولی به عنوان پدر نظریه پردازی سیاسی نو به شمار می‌رود. اندیشه‌های ماکیاوولی تأثیرات ژرفی در جهان سیاست باقی گذاشته است. در واقع به زعم بسیاری از کسانی که به فلسفه سیاسی مشغولند ماکیاوولی نقطه عطفی در سنت فلسفه سیاسی غرب محسوب می‌شود. فراتر از نام و آوازه‌ای که کم‌تر به جایگاه ماکیاوولی در اندیشه سیاسی غرب ربوط می‌گردد، متفکری چون او فهمی بسیار اصیل از سیاست ارائه کرده است. همدلی با او و دریافت فهم وی از جهان سیاست نمی‌تواند کار بیهوده‌ای باشد.

از اندیشه‌های ماکیاوولی این‌گونه برمی‌آید که وی نقطه آغاز سیاست را وجود امنیت و سرزمینی یکپارچه می‌داند. او معتقد است در جایی که امنیتی وجود ندارد و یا حاکمیتی، که امنیت را فراهم سازد دیگر از خیلی چیزها نمی‌توان سخن گفت. دور از منطق نیست اگر امنیت و حکومت مقتدر را در اندیشه ماکیاوولی دو روی یک سکه تلقی کنیم. روی دیگر کتاب شهریار اصولاً شهریار را نماینده حکومت مقتدر نشان می‌دهد و در کتاب گفتارها ترجیحاً حکومت جمهوری را تجلی همان حکومت مقتدر می‌داند. زندگی شخصی ماکیاوولی و فراز و فرودهایی که داشت بر اندیشه او تأثیراتی نیز داشته است. او به مدت ۱۴ سال مسؤولیت‌های دولتی در جمهوری فلورانس داشت و تحولات سیاسی را از نزدیک لمس کرده بود. هم‌چنین در کارنامه او شاهد مأموریت‌های دیپلماتیک به کشورهای دیگر

نیز هستیم و در این سفرها توانسته بود پویایی روابط قدرت‌های بین‌المللی را مشاهده و بررسی کند. اما بعد ماجرای زندانی شدن و پس از آن آزادی دیگر فرصت پیدا نکرد که فعالیت سیاسی داشته باشد و در خلوت خود مشغول نوشتن شد. شارل بنوا درباره پایان زندگی سیاسی ماکیاولی و آغاز زندگی دیگر او نوشت: همه چیز از دست رفت، اما همه چیز به دست آمد. ماکیاولی مقام خود را از دست داد، ولی ما ماکیاولی را به دست آوردیم (عالم، ۱۳۷۹، ص ۲۸). در واقع تاریخ، اندیشه سیاسی ماکیاولی را به دلیل آن‌چه او از سال ۱۵۱۳م تا زمان مرگ در سال ۱۵۲۷م انجام داد می‌شناسد.

ماکیاوری یکی از بحث‌انگیزترین متفکران سیاسی در تمام اعصار قرون جدید به شمار می‌رود می‌توان او را پدر اندیشه سیاسی غرب و از طراحان اصلی مفهوم جدایی قدرت، دولت مدرن و مفهوم مدرن سیاست دانست؛ هم‌چنین او را می‌توان پدر معنوی ناسیونالیسم و تعریف آزادی به سبک غربی دانست. ماکیاولی اندیشه جدی اومانیست است و سیاست را فن یا دانش کسب قدرت و نگهداری آن می‌داند و بدین‌سان ماهیت قدرت‌طلبانه و نفسانی سیاست مدرن را آشکار می‌کند، او را می‌توان اولین تنورسین مدافع امپریالیسم و استیلای بر دیگر ملت‌ها و کشورها دانست.

ماکیاولی معتقد است سیاستمدار جهت حفظ قدرت خود مجاز به انجام هر کاری می‌باشد و در این جهت نباید به آداب و رسوم حرم اخلاقی و دینی توجهی نماید. در واقع ماکیاولی به عنوان پدر فلسفه‌ی سیاسی مدرن که در آثار خود، جوهر سیاست اومانیستی را بیان کرده است، آشکارا از اخلاقیات سودانگاران دفاع می‌کند.

ماکیاولی اولین کسی بود که اندیشه کاتولیکی سده‌های میانه را در مسائل سیاسی به‌طور قطع برید. وی هم‌چنین یکی از نخستین متفکران سیاسی غربی است که مقوله سیاست را در قالب انسان‌شناسی سیاسی

توضیح داد و معتقد بود که طبع انسان، شرور و فاسد است؛ لذا درمان دفع چنین فساد و شری و شکل‌دهی به نظم اجتماعی و سیاسی را در تشکیل یک حکومت مطلقه و مقتدر باید جست و جو کرد.

ماکیاولی در فلسفه‌ی سیاسی، امکانات ویژه‌ی تازه‌ای به وجود آورد. پیش از او تصور می‌شد که قدرت سیاسی یا دولت برای دست یافتن به هدف‌های بسیار متعالی مانند عدالت، قانون، زندگی خوب و آزادی و غیره جاری کند. ماکیاولی همه‌ی این هدف‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی دولت را به دور می‌آورد. او قدرت سیاسی را هدفی در خود دید و پژوهش خود را به جست‌وجوی ابزارهای مناسب برای دستیابی، حفظ و گستراندن قدرت محدود کرد و قدرت را از اخلاق، دین و فراطبیعت جدا نمود. او بین سیاست و امر دینی تفاوت گذاشت و درباره‌ی نهادهای مدنی به عنوان وسیله‌ی سیاستمدار برای پشوانه‌دار کردن ثبات و امنیت دولت بحث کرد. ماکیاولی، سکولاریست بود ولی برخلاف سکولاریست‌های فضل فروش در سده‌ی شانزدهم تأثیر سیاسی دین تردید نداشت.

ماکیاولی منادی سیاست قدرت بود نه اخلاق اصلی او از سیاست، تحصیل قدرت سیاسی و حفظ آن به هر وسیله‌ای است. از این رو اخلاق و مذهب و سایر ارزش‌های اجتماعی آلت دست زمامدار برای نیل به قدرت و حفظ آن است. به اعتقاد او، زمامدار برای نیل به قدرت و گسترش آن مجاز است به هر عملی که صلاح می‌داند اعم از زور، نیرنگ، جنایت، تقلب، پیمان‌شکنی و نقض مقررات اخلاقی و غیره بهره‌جوید و برای زمامدار هیچ عملی ممنوع نیست. براساس سیاست قدرت، سیاست دولت‌های بزرگ برحسب قواعد اخلاقی عمل نمی‌کند. گذشته از طرز رفتار انسان‌ها در روابط با یکدیگر، به یقین دولت‌ها در روابط با هم درست به همان شیوه عمل می‌کنند که ماکیاولی توصیف کرد. نادیده گرفتن واقعیت‌ها، سیاستمداران خوشبین و آرمانگرا را گرفتار

دشواری‌های سیاسی آزارنده کرده است.

از لحاظ توجه به سیاست قدرت، ماکیاولی از معاصران خود تفاوت نداشت، نخستین کسی هم نبود که از کاربرد زور برای دست یافتن به هدف‌های ملی جانبداری کرد. او شاگرد خوب سزار بورژیا، فردیناند اسپانیایی، هنری هفتم پادشاه انگلستان، یا هر یک از شمار زیاد دیگر پادشاهان و پاپ‌ها بود. ماکیاولی بدان سبب معروف نشد که بگفته‌ی دوران بود، بلکه از آن جهت مشهور شد که تاکتیک‌هایی را برای خود و نه برای آینده تعیین کرد. این تاکتیک‌ها را همگان باید برای دست یافتن به هدف‌هایشان به کار ببرند.

هدف ماکیاولی عبارت بود از وحدت سراسری ایتالیا، یا وحدت ملی. او در راه دست یافتن به این هدف آماده بود هر وسیله‌ای را به کار ببرد. به نظر ماکیاولی، مد است سیاسی همیشه دلیل کافی برای عمل است. دلیل عمده‌ی ماکیاولی در بهر دو مورد گفتارهاست که در آن‌ها وحدت ملی را برای مردم خواسته است.

ماکیاولی با وجود آن‌که زندگی خوب، یا آزادی و دموکراسی برای شهروندان نخواست اما شهروندان را اندرز داد از مالکیت اتباع خود حفاظت کنند، از ناموس آن‌ها نگهداری نمایند، ثروت آن‌ها را افزایش دهند و هر جا ممکن باشد با ملایمت و منصفانه‌ی فرما روایی کنند. البته او با گفتن این‌که جمهوری بهتر از پادشاهی است و مردم جمهوری با خردمندی باید در کارها دخالت کنند، از برخی سودمندی‌های دموکراسی جانبداری کرد، زیرا فکر می‌کرد این سودمندی‌ها تحت شرایط خاص به وحدت ملی و یکپارچگی سرزمینی کمک خواهند کرد.

در نوشته‌های ماکیاولی خردمندی سیاسی زیادی وجود دارد. او سیاست‌شناس را و می‌دارد چیزها را آن‌طور که هستند ببیند نه آن‌طور که می‌خواهد ببیند. البته نباید فقط این درس را از او یاد گرفت که گفت هدف، وسیله را توجیه می‌کند. برای مثال، او در اندرز به شهروندان که

وضع و حال در تغییر، اصلاحات نهادی را ضروری خواهد کرد، خردمندی و هوشیاری زیادی را نشان داد. وی معتقد است که ویرانی دولت‌ها بدان سبب است که نهادهای خود را با تغییرات زمان هماهنگ نمی‌کنند. ماکیاولی در توجه به وحدت سیاسی، به روشنی مفهوم حاکمیت، و عقیده‌ی وابسته به آن، یعنی دولت ملی سرزمینی را مطرح کرد. در این مورد او مفهوم فئودالی سلسله مراتب پیچیده‌ی واحدهای به نسبت خود، ستار را رد کرد و به جای آن یک اقتدار مرکزی قدرتمند بیان نمود که از همه‌ی نهادها موجود برتر بود و بر همه‌ی آن‌ها هرگونه صلاحیتی داشت. بنابراین، راستی می‌توان ماکیاولی را پیشگام آموزه‌ی حاکمیت سیاسی دانست.

پیش از ماکیاولی برخی از اندیشمندان درباره‌ی منافع اقتصادی به‌عنوان عامل قاطع روندهای سیاسی، نوشته بودند اما وی بیش‌تر از آن‌ها این عقیده را مطرح کرد که انسان‌ها عیناً تحت تأثیر انگیزه‌های اقتصادی عمل می‌کنند. به عقیده‌ی ماکیاولی، در همه‌ی رفتارهای سیاسی، آرمان‌گرایانه باشد یا غیر از آن، تأثیر عامل اقتصاد را معمولاً می‌توان به راحتی دید. او گفت در پشت همه‌ی مبارزات در راه آزادی، حکومت بر خود و حقوق انسان‌ها، همیشه نگرانی‌های نوعی منافع اقتصادی را می‌توان تشخیص داد.

هم‌چنین باید اشاره نمود، شاید، مهم‌ترین ضعف اندیشه‌ی سیاسی ماکیاولی، واقع‌گرایی مطلق و مفرط اوست. ماکیاولی، تیرری اندیشه و آرمان را که اگر به درستی رهبری و به کار برده شود، می‌تواند زمین و زمان را تکان دهد، فراموش کرد یا نادیده گرفت. اندیشه‌ی او را برخی از شهریاران دوران‌ها و حتی دیکتاتورهای سده بیستم به کار بردند، اما موفق نشدند، زیرا آن‌چه از نظر اخلاقی بد باشد، از نظر سیاسی هرگز نمی‌تواند درست باشد. با این همه، خصلت و معنای راستین اندیشه ماکیاولی در واقع یکی از چیستان‌های بزرگ تاریخ نو است (عالم، ۱۳۷۹).

صص ۵۵-۵۳).

عیب مهم دیگری که می‌توان بر ماکیاوولی گرفت، نه مخالفتش با قواعد اخلاقی، بلکه غفلت او از اهمیت اخلاق در سیاست است. در نظر وی، مرد سیاسی باید بیش‌تر در غم وسایل عمل باشد تا قدر و ارزش نفس عمل، خواه از لحاظ دینی یا اخلاقی یا فلسفی. در نظر وی همین که شریار بتواند قدرت خود را حفظ کند و مخالفان خود را سرکوب کند و مردم را به فرمانبرداری خود وا دارد، وظیفه دانشمند و اندرزگوی سیاسی انجام یافته است.